

مشارکت زنان روستایی در تأمین و تجهیز منابع*

دکتر ژاله شادی طلب

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

شناخت امکانات بالقوه و تجهیز منابع مالی برای بهره‌برداری بهتر از امکانات می‌تواند راه دستیابی به توسعه را هموار سازد. از این رو تکیه بیشتر بر پس‌انداز روستاییان در بخش کشاورزی ضرورت یافته است. تحقیقات پیمایشی در زمینه پس‌انداز خانوارهای روستایی و به خصوص زنان بسیار نادر است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نقشهای گوناگون زنان روستایی و رفتارهای اقتصادی آنها، به بررسی موضوع پس‌انداز و سپرده‌گذاری در میان زنان روستایی استانهای یزد و آذربایجان غربی می‌پردازد. براساس یافته‌های تحقیق بیش از ۸۰٪ زنان روستایی حداقل در یک فعالیت اقتصادی مشارکت داشته و با ارایه نیروی کار بدون دستمزد در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانوار نقش اساسی ایفا می‌کنند ولی سهم زنانی که دارای درآمد مستقل هستند در استان یزد یک دوم و در آذربایجان غربی حدود یک چهارم زنان فعال اقتصادی است. مقایسه دلایل نشان می‌دهد که زنان روستایی یزد از استقلال فکر و عمل بیشتری برخوردار هستند. ارتقاء میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای خانواده و جامعه، تجهیز منابع برای خانوار و کشور و انتقال فرهنگ پس‌انداز به کودکان ضرورت اقدامات جدی‌تری را توجیه می‌نماید.

واژگان کلیدی: زنان، مشارکت، رفتار پس‌اندازی، کار زنان روستایی، منابع مالی، سپرده‌گذاری.

مقدمه

کشورهای در حال توسعه، به منظور پر کردن فاصله رو به تزاید خود با کشورهای توسعه یافته، نیازمند شناسایی عوامل مؤثر در توسعه، منابع مالی، نیروی انسانی و امکانات طبیعی خود هستند. به یقین هر اقدام منطقی در این زمینه با مشارکت مردم، به موفقیت‌های بیشتری در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای در حال توسعه خواهد انجامید.

در کشور ما نیز شناخت امکانات بالقوه و تجهیز منابع مالی، به منظور بهره‌برداری بهتر از امکانات، می‌تواند راه دستیابی به توسعه را هموار سازد. برای تحقق این هدف در هر یک از بخش‌های اقتصادی، از جمله بخش کشاورزی، مطالعات بسیاری انجام شده ولی علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، این بخش هنوز موفق به استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود نشده و براساس تجربیات گذشته، برای این مهم نیازمند مشارکت تولیدکنندگان بخش (زنان و مردان)، در برنامه‌ریزی‌ها و تأمین مالی است. از این رو تکیه بر پس‌انداز روستاییان، برای تجهیز منابع مالی بخش کشاورزی و به کارگیری سپرده‌های کوچک آنان در ایجاد اشتغال مولد، کسب درآمد بیشتر و افزایش تولید ضروری است.

تجهیز منابع مالی مورد نیاز از طریق مشارکت روستاییان به صورت پس‌انداز در سیستم بانکی، نیازمند بررسی‌هایی در سطح کلان ملی، جامعه روستایی و خانوار است.

مطالعات انجام شده اغلب مبتنی بر اطلاعات استخراج شده از حساب‌های ملی و یا بودجه و هزینه خانوار بوده و به ندرت تحقیقات پیمایشی درباره خانوار صورت گرفته است. در موارد بسیار نادری که به پس‌انداز در خانوار پرداخته شده، سرپرست خانوار (مرد) به عنوان نماینده کل خانوار مورد پرسش قرار گرفته (بانک کشاورزی ۱۳۷۷ و شادی طلب ۱۳۷۳) و رفتار سایر افراد، از جمله زنان نسبت به پس‌انداز و سپرده‌گذاری نادیده گرفته شده است. در حالی که با توجه به نقش بسیار مهم زنان در بخش کشاورزی کشور ما (شادی طلب ۱۳۷۵) و تفاوت روحیات و رفتارها، ضروری است علاوه بر واحد خانوار در این گونه بررسی‌ها، به رفتار زن روستایی نیز توجه شود. با در نظر گرفتن نقش‌های گوناگون زنان روستایی و رفتارهای اقتصادی سازگار با این نقش‌ها، پرسش‌های متعددی را می‌توان مطرح کرد:

— آیا زنان روستایی در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانوار نقش دارند؟

— آیا کار زنان در واحد بهره‌برداری کشاورزی را می‌توان پس‌انداز نامریبی تلقی کرد؟

– چه سهمی از درآمد حاصل از کار زنان روستایی در اختیار خود آنهاست؟

– آیا زنان روستایی پس انداز می‌کنند؟

– چگونه پس انداز می‌کنند؟

– تا چه اندازه عوامل فرهنگی تسهیل کننده یا بازدارنده رفتار سپرده گذاری زنان است؟ پاسخگویی به پرسشهایی از این دست ایجاب می‌کند تا چگونگی تأثیرپذیری منابع خانوار از نتایج کار زنان روستایی به دقت مورد بررسی قرار گیرد. با این هدف مقاله حاضر به گزارش یافته‌های پژوهشی در زمینه نقش زنان روستایی در تأمین و تجهیز منابع، در دو صورت پس انداز نامرئی (کار) و پس انداز مرئی و سپرده گذاری، می‌پردازد. بدین ترتیب پس از طرح زمینه‌های نظری و تجربی موجود، یافته‌های تحقیق انجام شده در جامعه روستایی استان آذربایجان غربی و یزد ارائه و در پایان نتیجه گیری می‌شود.

زمینه‌های نظری و تجربی موجود

شناخت تواناییهای زنان و اعتقاد به نقش آنان در فعالیتهای جامعه، فرایندی است که به تدریج در همه کشورهای در حال توسعه آغاز شده است. مشارکت زنان در بازارهای مالی مورد توجه برنامه‌ریزان و پژوهشگران علوم انسانی قرار گرفته است اما به دلیل نبودن این زمینه مطالعاتی، بجز نتایج تحقیقات موردی پاره‌ای از کشورها، متون مدونی در دسترس نیست. در بررسی موضوع نقش زنان در تجهیز منابع مالی (پس انداز) در سایر کشورها، بخصوص کشورهای صنعتی، آنچه به چشم می‌خورد، بحث کسب درآمد مستقل افراد خانوار و چگونگی تخصیص درآمد مازاد بر مصرف به سرمایه گذاری، سپرده گذاری و ... است. در حالی که با توجه به شرایط فرهنگی – اجتماعی کشورهایی نظیر کشور ما مشخص می‌شود که حتی با گذار از مرحله کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری، هنوز زنان روستایی به عنوان کارکنان عضو خانواده، بی‌دستمزد و بی‌درآمد مستقل، بخش مهمی از نیروی کار واحدهای تولیدی را تأمین می‌کنند (احسانی و دیگران ۱۳۷۳؛ رفاهیت ۱۳۶۵؛ سرحدی ۱۳۷۰؛ سرحدی و دیگران ۱۳۷۲؛ هاشمی ۱۳۷۳-۷۴). در نتیجه مباحث نظری پس انداز در کشورهای توسعه یافته، کاربرد چندانی در مورد زنان روستایی کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند داشته باشد. بنابراین ضروری است که سهم کار زنان روستایی و ارزش آن در درآمد خانوار مطرح و نقش آنان در اقتصاد خانوار و کشور به صورت کاملتر و دقیقتری مورد بررسی قرار گیرد.

کار زنان روستایی* : پس انداز نامریی

پدیده فرهنگی نادیده انگاشتن کار اقتصادی زنان روستایی و نقش آنان در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانوار، پدیده غالبی است که توجه ضرورت نگرش به کار زنان به عنوان پس انداز نامریی را کمی دشوار می سازد.

البته دشواری محاسبه و اندازه گیری سهم زنان روستایی بدون دستمزد در اقتصاد خانوار موجب شده تا آمارهای ملی میزان مشارکت آنها را کمتر از آنچه هست، برآورد نماید. در حالی که سهم زنان در تأمین نیروی کار براساس صرف اوقات روزانه و مقایسه آن با مردان، مشخص می کند که اگر کار مردان در فعالیتهای مشابه با زنان "اقتصادی" قلمداد می شود، می بایست کار زنان روستایی بدون دستمزد نیز اقتصادی تلقی شود و نقش آنان در تأمین منابع مالی و غیرمالی خانوار و تجهیز پس انداز مدنظر قرار گیرد.

یافته های تحقیقات گوناگون نشان می دهد که در کشورهای هند، فیلیپین و بنگلادش زنان روستایی مدت زمانی را که به کار کشاورزی و کار در منزل اختصاص می دهند، معادل کار مردان است (سازمان ملل ۱۹۸۶، ص ۵۱). یافته یک پژوهش در کشورهای افریقایی به خوبی گویای این نکته است.

جدول شماره ۱. متوسط دقیقه نفر - روز در فعالیتهای مختلف به تفکیک جنس

مرد	زن	زیننه فعالیت
۲۰۲	۳۶۷	۱. تولید، عرضه و توزیع محصولات کشاورزی
۱۵۶	۴۵	۲. صنایع دستی و سایر فعالیتهای حرفه ای
۹۱	۲۷	۳. فعالیتهای اجتماعی
۴	۱۴۸	۴. فعالیتهای خانه
۲۶۹	۱۵۸	۵. تأمین نیازهای شخصی (وقت استراحت، غذا خوردن و ...)
۱۱۸	۷۷	۶. وقت آزاد (گوش دادن به رادیو و تلویزیون، گفتگو با دیگران و ...)
۴۵۳	۵۸۷	جمع کار
۳۸۷	۲۳۵	جمع وقت آزاد و تأمین نیازهای شخصی (۵ + ۶)

برگرفته از: دیکسون - مولر^۱، ۱۹۸۹، ص ۴۴۴ و به نقل از: مک سوینی^۲

*. در این مقاله منظور از کار زنان روستایی، کار تولیدی آنان در واحد بهره برداری (چه با دستمزد و چه بی دستمزد) و در درون خانه (بجز

خانه داری) می باشد، حتی اگر نتیجه کار در بازار به فروش نرسد و در خانواده مصرف شود.

بنابراین زنان در مجموع ۱۳۴ دقیقه ($۱۳۴ = ۴۵۳ - ۵۸۷$) و یا دو ساعت بیش از مردان در روز کار می‌کنند و زمانی که برای رفع نیازهای شخصی، استراحت و به عنوان اوقات فراغت صرف می‌کنند ($۱۵۲ = ۲۳۵ - ۳۸۷$) حدود دو ساعت و نیم کمتر از مردان است.

مشخص کردن سهم زنان در درآمد حاصل از فروش محصولات واحد بهره‌برداری، کار ساده‌ای نیست، ولی اگر به ساده‌ترین راه، یعنی محاسبه ساعات کار زنان از کل ساعات کاری که افراد خانواده صرف می‌کنند و تعمیم این سهم به کل ارزش تولید خالص بسنده شود، می‌توان نشان داد که زنان با کار خود حدود نیمی از درآمد مستقیم را به صورت نامرئی تأمین می‌کنند.

بسیاری از مطالعات انجام شده در جامعه روستایی ایران، فعالیت زنان در واحد بهره‌برداری خانوادگی و یا اشتغال به صنایع دستی را به عنوان کارهای حاشیه‌ای زنان در تأمین هزینه‌های خانوار عنوان کرده‌اند، ولی با توجه به سهم نیروی کار زنان در نیروی کار زراعت و دامداری (متوسط ۴۰ درصد - گزارش زنان روستایی وزارت کشاورزی ۱۳۷۴) می‌توان عنوان کرد که این کارها به هیچ وجه حاشیه‌ای نیستند، هر چند که ممکن است نتایج آن از دید جامعه پنهان مانده باشد.

واقعیت این است که تولید برای بازار و بخشهای غیربازار در خانوار روستایی یک زنجیره از فرایند تولید است و تبدیل محصولات کشاورزی به کالاهایی که نیازهای خانوار را تأمین می‌کند، فرقی با تولید کالا برای مبادله در بازار ندارد. در بخش بازار تولید با ارزش کالاها براساس واحد پولی اندازه‌گیری می‌شود و در بخش خانوار (غیربازار) می‌توان براساس وقت صرف شده و برآورد ارزش زمان صرف شده آن را به واحد پولی تبدیل کرد.

به عبارت دیگر کار بدون دستمزد زن روستایی با ارزش کار و یا خدماتی که از بازار خریداری می‌شود، تفاوتی ندارد. بنابراین نتایج حاصل از کار زنان چه در شکل غیرمالی و چه به صورت منابع مالی می‌باید پس‌انداز نامرئی در اقتصاد خانوار تلقی شود.

پس‌انداز مریی زنان روستایی

آیا زنان روستایی پس‌انداز (نقدی یا غیر نقدی) می‌کنند، چرا و چگونه؟

برای پاسخگویی به این پرسش ضروری است که به ادبیات موجود و تحقیقات انجام شده در این زمینه مراجعه شود که در مورد کشور ما هیچ نمونه‌ای یافت نشد. خلاصه آنچه درباره

رفتار پس اندازی زنان در پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه به دست آمد، نشان می‌دهد که زنان می‌توانند نقش مهمی در تجهیز منابع مالی در اقتصاد خانوار و کشور به صورت پس‌انداز داشته باشند.

الف. انگیزه‌های پس‌انداز زنان

اکثریت مردم فکر می‌کنند زنان پس‌انداز خود را برای مصارف شخصی و یا صرفاً خرید طلا و زیورها مصرف می‌کنند. یادداشتهای زیر که از مطالعات کشورهای مصر، زامبیا، جامائیکا و کامرون استخراج شده، نشان می‌دهد که این موضوع صحت ندارد:

– در کشور مصر باشگاههای متعدد پس‌انداز در جامعه روستایی وجود دارد که زنان تشکیل دهنده، عضو و مدیر آن هستند. مانند: باشگاه پس‌انداز ام هانی^۱، باشگاه پس‌انداز ام حسنی^۲، باشگاه پس‌انداز ام فتحی^۳.

دلایل عضویت زنان و هدف پس‌انداز آنان در این سازمانهای نیمه‌رسمی عبارت بوده از: ساختن یک اتاق در طبقه بالای منزل، خرید یخچال، لوله‌کشی آب در داخل منزل، تعمیر تاکسی متعلق به شوهر (پیت وان دن آکر^۴ ۱۹۸۷).

– یک مطالعه انجام شده در مورد انگیزه پس‌انداز زنان روستایی در زامبیا نشان می‌دهد که زنان پس‌اندازهای خود را برای خرید کود و سایر نهاده‌ها صرف می‌کنند (هولت^۵ ۱۹۹۱).

– آموزش بهتر بچه‌ها، بهداشت بیشتر و شرایط بهتر برای منزل، انگیزه‌های پس‌انداز زنان در مطالعاتی که مرکز توسعه آسیا و اقیانوس آرام^۶ در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ و بانک جهانی و دفتر عمران سازمان ملل^۷ انجام داده، گزارش شده است (شمس خالد و دیگران ۱۹۸۸، صص ۱۹-۱۷).

– مطالعه جامائیکا در سال ۱۹۷۲ نشان می‌دهد که دو سوم اعضای گروه شرکا^۸ زنان هستند و از وامهای دریافت شده در ۹۲ درصد موارد برای آموزش و در ۷۵ درصد موارد

1. The Saving Clube of Umm Hani

2. The Saving Clube of Umm Husni

3. The Saving Clube of Umm Fathi

4. Piet Van den Akker

5. Holt

6. The Asian and Pacific Development Center

7. U.N.D.P.

8. Partner Societies

برای خرید وسایل و لوازم منزل استفاده می‌شود.

– در مطالعه‌ای که در مورد الگوهای پس‌انداز زنان در میان زنان کم‌درآمد باغهای چای کشور کامرون در سال ۱۹۸۳ انجام شده، یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از دلایل پس‌انداز زنان، رفاه و تأمین اجتماعی دوران پیری و بیماری، ۳۶ درصد برای سرمایه‌گذاری و توسعه (به خصوص آموزش) می‌باشد. به طور کلی مصرف اولویت چندانی نداشته و فقط ۱۹ درصد از دلایل را به خود اختصاص داده است. اگر اطلاعات فوق، به دلیل محدودیت جامعه مورد بررسی، توان چندانی در اثبات روحیه پس‌انداز در زنان روستایی نداشته باشد، در آن صورت موفقیت سازمانهای رسمی و غیررسمی را در ابداع و اجرای روشهای گوناگون، برای جذب پس‌انداز زنان، می‌توان به عنوان شاخص بهتری از وجود رفتار پس‌اندازی به کار گرفت.

ب. روشهای جذب پس‌انداز زنان

روشها و شکل‌های کنونی جذب پس‌انداز و سپرده‌گذاری زنان در کشورهای در حال توسعه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

سازمانهای رسمی

در جهت ارائه خدمات اعتباری به زنان و حضور آنان در بازارهای مالی روستایی در سالهای اخیر، روشهای گوناگونی طراحی شده است. در اینجا به چند روش موفق که سایر کشورهای در حال توسعه نیز از آن الگوبرداری کرده‌اند، اشاره می‌شود:

تجهیز پس‌انداز خانه به خانه^۱

این روش تجهیز پس‌انداز، با هدف تأمین نیازهای سپرده‌گذار در آینده نزدیک طراحی شده است. زنان با گشایش یک حساب سپرده، در زمانهای معین، مثلاً هفتگی یا ماهانه مبلغی را بر سپرده خود اضافه می‌کنند. این روش فرد را به نظم واهی دارد و مشکل رفت و آمد به بانک را برطرف می‌کند. در این طرح با دریافت سپرده، به سپرده‌گذار وام هم داده می‌شود. این روش برای

1. Door - to - Door Collection Deposit

زنان، که فعالیت اقتصادی آنان در منزل و یا واحد بهره‌برداری خانوادگی است، بسیار مناسب است. (در کشور هند تجربه شده)

طرح وابستگی وام به پس‌انداز^۱

در این طرح سپرده‌گذار می‌تواند چند برابر میزان سپرده خود درخواست وام کند، البته در صورتی که مدت زمان خاصی از آن گذشته باشد. این طرح غالباً با هدف خاصی مانند خرید مسکن، ابزار تولید و ... طراحی می‌شود و پیش‌شرط پس‌انداز برای دریافت وام اجباری است. از امتیازهای این روش نرخ سود کمتر وامها، نرخ بهره بیشتر سپرده‌ها، مشارکت زنان در کلاسهای آموزشی و تضمین شخصی برای دریافت وام است. (در کشورهای سودان و مصر تجربه شده)

طرح پس‌انداز بچه‌های مدرسه^۲

این طرح ضمن آشنا کردن بچه‌ها با مفهوم پس‌انداز، سپرده‌های طولانی مدت را برای نظام بانکی فراهم می‌کند. با توجه به اینکه پول سپرده را پدر و مادرها تأمین می‌نمایند، در واقع بچه‌ها اولیا را وادار به پس‌انداز می‌کنند.

روش بانکهای توسعه‌ای فقرگرا^۳

این دسته از بانکها با هدف توسعه، روش کار خود را براساس نیازهای محلی و مشکلات مردم بومی طراحی می‌کنند (مانند گرامین بانک در بنگلادش). روش کار سپرده‌گذاری و دریافت اعتبار به صورت گروهی است. تشکیل گروههای زنان، به منظور اطمینان از دسترسی کامل آنها به اعتبارات، از نتایج این روش بوده است. در این روش علاوه بر توزیع اعتبار و تجهیز منابع به اعضا آموزش می‌دهند که چگونه بهره‌وری خود را افزایش دهند و حتی برای تغییرات فرهنگی (مانند کم‌اهمیت کردن جهیزیه برای دختران) در برنامه‌های خاصی سرمایه‌گذاری و هزینه می‌کنند.

1. Loan Linked Saving Scheme

2. Bank Comes To Classrooms

3. Poverty Oriented Banks

روش بانکهای سیار

کارشناسان زن و مرد که غالباً زن و شوهر هستند به روستای موردنظر مراجعه می‌کنند و بدین ترتیب موانع فرهنگی کمتری در راه سپرده‌گذاری زنان به وجود می‌آید (مانند بانک توسعه کشاورزی پاکستان).

سازمانهای نیمه رسمی

سازمانهای نیمه رسمی معمولاً نهادهایی هستند غیردولتی که مشابه سازمانهای رسمی به زنان خدمات اعتباری ارائه می‌دهند، مانند بنیاد گسترش پس‌انداز^۱ در زامبیا، یا اتحادیه تعاونیهای اعتباری در کامرون^۲ و یا سازمان زنان کارگر^۳.

در میان سازمانهای نیمه رسمی، روش کار سازمانی با نام سوا^۴ در هند، که فعالیت خود را حدود ۲۰ سال پیش آغاز کرده، بسیار موفق بوده است. این سازمان در سال ۱۹۷۲ به عنوان یک واسطه بین زنان فقیر و بانکهای هند فعالیت خود را با واحدهای سیار و برنامه پس‌انداز برای زنان آغاز کرد و در سال ۱۹۸۲ به عنوان یک بانک مستقل به عضویت بانک جهانی زن درآمد.

نهادهای غیررسمی

یکی از شکلهای غیررسمی (غیردولتی) اعتباری که زنان کم درآمد از آن استقبال کرده‌اند روسکاه^۵ است. مشابه این سازمان تقریباً در سراسر دنیا با نامهای مختلفی* وجود دارد که اعتبارات توزیع شده را از محل پس‌اندازهای تجهیز شده زنان تأمین می‌کند. رواج این نظام در میان زنان نشان دهنده تمایل آنان به پس‌انداز است. بررسیهای موجود نشان می‌دهد که تلفیق وام و پس‌انداز سبب شده است که زنان درصدد باشند تا زمینه تجهیز منابع بیشتری را فراهم کنند. سازمانهای بین‌المللی موفقترین طرحها در تجهیز پس‌انداز زنان و حضور آنها در بازارهای

1. Saving Development Foundation

2. Camerron Cooperative Credit Union League

3. Working Women Forum

4. SEWA

5. Rotating Saving & Credit Association (ROSCA)

*. در کشورهای غنا، مصر و جامائیکا.

مالی را سه طرح بانک گرامین در بنگلادش، طرح سوا در هند و طرح اختیار در مالزی نام می‌برند.

عوامل مؤثر بر موفقیت این طرحها را چنین می‌توان خلاصه کرد:

۱. تمرکز و تأکید بر گروههای خیلی فقیر و بخصوص زنان

۲. وجود سیاستهای پشتیبانی کننده ملی

۳. تأمین نیروهای آموزش دیده برای کار با گروه مورد نظر

۴. طراحی روشهای خاص برای گروههای مورد هدف:

– آموزش زنان متقاضی وام

– روشهای ساده برای تکمیل فرمها

– حذف وثیقه

– وامهای کوتاه مدت و پس اندازهای هفتگی یا ماهانه

– حمایت از تشکلهای زنان

– برقراری ارتباط میان وام و پس انداز

روش تحقیق

این تحقیق از نوع "پیمایشی" و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از "پرسشنامه" و مصاحبه‌های هدایت شده با زنان روستایی در دو استان یزد (یک استان غیرکشاورزی) و استان آذربایجان غربی (یک استان کشاورزی) گردآوری شده است.

جامعه مورد بررسی

در این پژوهش زنان روستایی ساکن در روستاهای استان یزد (یک استان غیرکشاورزی) و استان آذربایجان غربی (یک استان کشاورزی) (عرب مازار و قره‌باغیان ۱۳۷۳) تشکیل دهنده جامعه مورد بررسی هستند.

با توجه به اطلاعات موجود در مورد زنان روستایی دو استان (با حذف روستاهای کمتر از ۲۰ خانوار) در مرحله اول ۵ درصد از کل روستاها، و پس از تهیه اسامی خانوارها در این روستاها، در مرحله دوم ۵ درصد از کل خانوارها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند که زن خانوار به عنوان واحد نمونه مورد پرسش قرار گرفت.

بررسیهای مقدماتی و آزمون پرسشنامه ضرورت ورود گروه دومی از زنان روستایی را به جامعه مورد بررسی نشان داد و بدین ترتیب گروه دوم با انتخاب تعداد ۵ درصد از کل زنان روستایی دارنده یکی از انواع حسابها در بانک کشاورزی (با بیش از ۱۵ سال سن که احتمال مراجعه آنها به بانک بیشتر بود) به نمونه‌های پیشین اضافه شد. در نتیجه یافته‌های تحقیق حاصل گردآوری اطلاعات از ۹۳ روستا و ۳۲۴ زن روستایی در سال ۱۳۷۵ است.

مهمترین ویژگیهای زنان روستایی در جامعه مورد بررسی

اطلاعات گردآوری شده از زنان روستایی جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد که در استان یزد ۷۵ درصد در گروه سنی ۶۴-۲۵ و در آذربایجان غربی ۷۹ درصد از نمونه‌ها در این گروه قرار دارند، بنابراین پاسخگویان عمدتاً میانسال هستند. نسبت باسوادی در دو استان به ترتیب یزد و آذربایجان غربی ۶۰ و ۲۶ درصد می‌باشد که ناشی از میانسالی نمونه‌های انتخابی است.*

جدول شماره ۲. مقایسه سطح سواد در جامعه مورد بررسی به تفکیک دو استان یزد

و آذربایجان غربی (درصد)

شرح	یزد	آذربایجان غربی
نسبت باسوادی در استان	۶۵/۵	۳۶/۰
نسبت با سوادی در جامعه مورد بررسی	۶۰/۴	۲۶/۲
میزان تحصیلات در جامعه مورد بررسی:		
بی سواد	۳۹/۶	۷۳/۸
خواندن و نوشتن	۳۰/۴	۷/۵
ابتدایی	۲۵/۸	۱۰/۰
راهنمایی	۲/۳	۵/۶
متوسطه	۱/۸	۲/۷

تعریف مفاهیم

— فعالیت اقتصادی. هر فعالیتی بجز وظایف خانه‌داری مثل شستن ظروف، لباس، غذا

*. در این تحقیق هر فعالیتی به جز وظایف خانه‌داری مثل شستن ظروف، لباس، غذا پختن و ... فعالیت اقتصادی محسوب شده است.

- پختن و ... فعالیت اقتصادی محسوب شده است.
- کار زنان روستایی. کار تولیدی آنان در واحد بهره‌برداری (چه با دستمزد و چه بدون دستمزد) و در درون خانه (بجز خانه‌داری) می‌باشد، حتی اگر نتیجه کار در بازار به فروش نرسد و در خانواده مصرف شود.
- پس انداز. درآمد مازاد بر مصرف خانواده چه به صورت نقدی (پولی) و یا غیرنقدی (خرید کالاهایی مانند گوسفند، زمین و ...) پس انداز نامیده شده است.
- پس انداز مریی. آن بخش از درآمد مازاد بر مصرف خانواده که حاصل مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی است.
- پس انداز نامریی. آن بخش از فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی که بر درآمد خانواده (به طور مستقیم) نمی‌افزاید ولی از هزینه‌های خانواده و یا واحد بهره‌برداری (کار بدون دستمزد، بافتن فرش برای منزل و ...) می‌کاهد.
- سپرده‌گذاری. رفتار پس اندازی که به گشایش یکی از انواع حسابها در سازمانهای رسمی اعتباری (بانکها) بینجامد.
- سازمان رسمی اعتباری. به سازمانهایی اطلاق می‌شود که با قوانین، آیین‌نامه‌ها و مقررات مصوب و تحت پوشش دولت نسبت به توزیع و تجهیز منابع مالی اقدام می‌کند.
- سازمانهای غیررسمی. سازمانهایی هستند که افراد (زنان یا مردان) به طور داوطلبانه در تشکیل آن نقش داشته و چگونگی توزیع و یا تجهیز اعتبارات براساس توافقیهای به عمل آمده میزان اعضا صورت می‌پذیرد. این سازمانها دولتی نیستند و منابع مالی آنها از طریق دولتها تأمین نمی‌شود.

یافته‌های تحقیق

درک تفاوت‌های موجود در رفتار اقتصادی انسانها و قشرهای مختلف اجتماعی، ضرورت طراحی برنامه‌ای با روشهای انعطاف‌پذیر را به یک امر بدیهی تبدیل می‌کند، و موضوع پس انداز زنان روستایی نیز از همین مقوله است.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از جمعیت دهساله و بیشتر روستایی را زنان تشکیل می‌دهند ولی کمتر از ۱۱ درصد از آنها فعال اقتصادی محسوب شده‌اند. در حالی که اگر تعداد دختران روستایی دانش‌آموز از کل جمعیت زنان روستایی دهساله و بیشتر کسر شود،

تقریباً ۷۸ درصد از جمعیت زنان روستایی را می‌توان از نظر اقتصادی فعال دانست. محسوب داشتن زنان روستایی در زمره غیرفعالان اقتصادی، نارساییهایی را در شناخت کامل فعالیتها و نقش آنان در اقتصاد خانوار سبب شده و در نتیجه رفتارهای اقتصادی آنان کاملاً ناشناخته مانده است.

براساس اطلاعات موجود می‌توان برآورد کرد که نهادهای اقتصادی روستا حداقل با ۴ میلیون زن روستایی فعال در واحدهای بهره‌برداری خانوادگی مواجه هستند که تاکنون میزان برخورداری آنان از منابع اعتباری بسیار اندک بوده و هیچ برنامه خاصی برای تجهیز منابع توسط زنان* طراحی نشده است.

پس‌انداز نامریی: کار زنان روستایی

یافته‌های تحقیق در عین حال که منعکس‌کننده رابطه شرایط طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی رایج در جامعه روستایی دو استان است، نقش بسیار جدی زنان روستایی را در اقتصاد خانوار و جامعه روستایی نیز نشان می‌دهد.

مهمترین یافته‌ها در مورد کار زنان را که موجب افزایش درآمد و یا کاهش هزینه‌های تولید از طریق تأمین نیروی کار می‌شود و به عبارت بهتر پس‌انداز نامریی در خانوار است، به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

با توجه به شرایط طبیعی استان یزد، فعالیت زنان در زمینه صنایع دستی (قالیافی) بیشتر در منزل صورت می‌گیرد و در مقابل به دلیل رونق فعالیت‌های کشاورزی در آذربایجان غربی، زنان نقش فعالتر و سهم بیشتری در فعالیت‌های زراعی، باغی و دامداری دارند.

با اینکه بیش از ۸۰ درصد زنان روستایی حداقل در یک فعالیت اقتصادی مشارکت دارند و با تأمین نیروی کار بدون دستمزد در کاهش هزینه تولید و منابع مالی نقش اساسی ایفا می‌کنند و یا با فراوری محصولات زراعی و دامی و قالیافی به منابع غیرمالی خانوار کمک می‌کنند، ولی سهم زنانی که در نتیجه این فعالیت‌ها دارای درآمد مستقل هستند، در مقایسه با سهم فعالیت‌های اقتصادی آنان، همخوانی ندارد. در استان یزد یک دوم و آذربایجان غربی حدود یک چهارم زنان روستایی از درآمد مستقل برخوردارند.

*. بانک کشاورزی ایران طرحی برای ارائه وام به زنان روستایی سرپرست خانوار، در طی چهار سال اخیر، اجرا کرده و در نوروز سال ۱۳۷۸ نیز

"طرح ایران" معرفی شده که بیشتر جنبه توزیع اعتبار دارد.

جدول شماره ۳. فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی و مشارکت آنان در فرایند تولید

(درصد از کل زنان روستایی)

آذربایجان غربی	یزد	شرح
۳۸/۲	۵۹/۰	(۱) فعالیت اقتصادی درون خانه
۷/۵	۵۹/۰	- قالیبافی
۱۶/۸	-	- گلدوزی
۲۶/۲	-	- پختن نان
۵۶/۰	۴۰/۱	(۲) فعالیتهای زراعی و باغی
۱۵/۹	۱۶/۱	- آماده سازی زمین
۳۳/۶	۲۱/۲	- کاشت
۳۶/۴	۲۳/۰	- داشت
۵۲/۳	۳۵/۰	- برداشت و چیدن محصول
۳۹/۳	۲۶/۷	- فراوری محصولات
۵۷/۰	۳۸/۷	(۳) فعالیتهای دامداری
۴۹/۵	۳۴/۱	- مراقبت از دام
۵۰/۵	۳۵/۰	- تغذیه دام
۱۴/۰	۱۵/۷	- چرا
۵۴/۲	۲۳/۳	- شیردوشی
۵۰/۵	۳۱/۸	- تهیه فراورده های لبنی

جدول شماره ۴. گروه‌بندی زنان روستایی فعال اقتصادی و موارد مصرف درآمد آنان (درصد)

آذربایجان غربی	یزد	شرح
۸۶/۰	۸۲/۵	گروه اول - سهم زنان فعال اقتصادی از کل زنان روستایی
۲۸/۰	۵۱/۰	گروه دوم - سهم زنان روستایی دارای درآمد مستقل از گروه اول
۸۴/۰	۶۹/۰	گروه سوم - سهم زنان با امکان تصمیم‌گیری مستقل از گروه دوم
		اولویتهای مصرف درآمد گروه سوم:
۸۸	۷۷	۱. هزینه‌های جاری زندگی
۵۲	۵۲	۲. تحصیل فرزندان
۴۴	۴۲	۳. خرید کالاهای بادوام
۶۰	۳۷	۴. بازپرداخت بدهی
۳۶	۲۵	۵. هزینه‌های جاری کشاورزی
۲۴	۲۴	۶. خرید تجهیزات سرمایه‌ای
۲۴	۲۰	۷. سرمایه‌گذاری نقدی

آزمون T تفاوت معنی‌داری را میان دو استان یزد و آذربایجان غربی در سهم زنان با درآمد مستقل (گروه دوم) نشان می‌دهد. به عبارت دیگر در استان یزد زنان روستایی شانس بیشتری برای کسب درآمد مستقل دارند که تحت تأثیر نوع فعالیت اقتصادی آنان در کار قالبیابی است.

فرهنگ و رفتار پس‌اندازی زنان روستایی

مفهوم "صرفه‌جویی"، "پس‌انداز" و مفاهیم دیگری از این دست، در فرهنگ جامعه ما همواره وجود داشته است. گرچه در برخی موارد افراط در ترویج این مفاهیم می‌تواند زندگی را بر افراد خانوار بسیار دشوار سازد ولی در حد متعادل، وجود آن نشانه‌ای از آینده‌نگری افراد یک جامعه و قدمی در جاده پرفراز و نشیب توسعه اقتصادی تلقی می‌شود.

علاوه بر این در جامعه روستایی کشور ما به دلیل تسلط بخش کشاورزی بر سایر فعالیتها و نوسانات درآمد حاصل از این بخش، تحت تأثیر عوامل طبیعی (خشکسالی، سیل و ...) همواره فکر حوادث پیش‌بینی نشده و انگیزه احتیاطی (اندیشه روز مبادا) موجب پس‌انداز - هر چند به نظر کارشناسان نظام بانکی و اقتصادی - بسیار کوچک می‌شده است.

بنابراین انتظار می‌رود که هنوز این فرهنگ و رفتارهای سازگار با آن در جامعه روستایی

دیده شود. یافته‌های تحقیق ضمن تأیید وجود این فرهنگ نشان می‌دهد که حدود نیمی از زنان روستایی به سبب دوراندیشی و برای مواقعی که دسترسی به منابع مالی به سادگی امکان‌پذیر نیست، مبلغی را در منزل نگهداری و به عبارت بهتر پس‌انداز می‌کنند. در مقایسه دو استان یزد و آذربایجان غربی، اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که زنان روستایی آذربایجان غربی نسبت به یزد بیشتر پول نقد را در منزل نگاه می‌دارند (۶۱ درصد در برابر ۴۱ درصد) و میزان آن نیز بیشتر از پس‌انداز زنان روستایی یزد می‌باشد (۴۵ درصد بیش از ده هزار تومان پس‌انداز نقدی در برابر ۱۶ درصد).

جدول شماره ۵. مبلغ کنار گذاشته شده (پس‌انداز نقدی) زنان روستایی برای حوادث پیش‌بینی نشده (درصد)

مبلغ پس‌انداز	یزد	آذربایجان غربی
۵۰ هزار ریال و کمتر	۶۸/۵	۳۹/۳
۵۱ تا ۱۰۰ هزار ریال	۱۵/۷	۱۴/۳
۱۰۱ تا ۳۰۰ هزار ریال	۱۰/۱	۲۳/۲
۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار ریال	۲/۲	۱۴/۳
بیش از ۵۰۰ هزار ریال	۳/۴	۷/۲
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بدین ترتیب گرچه سهم زنان روستایی آذربایجان غربی با درآمد مستقل به میزان ۵۰ درصد از همین سهم در استان یزد کمتر است، ولی زنان روستایی آذربایجان غربی در رفتار پس‌اندازی (به صورت نگهداری پول در منزل) سهم بیشتری دارند.

در آزمون رابطه متغیرهای مربوط به ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی زنان شامل سن، سواد، وضعیت تأهل، شغل همسر، اندازه واحد بهره‌برداری، درآمد سالانه و نوع فعالیتهای اقتصادی در خانه و یا در مزرعه، تنها رابطه متغیر سواد با "نگهداری پول برای روز مبادا" (پس‌انداز) از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($Cramers' V = 0/35$). با توجه به گسترده‌تر شدن آموزش در دو دهه اخیر و روند فزاینده دختران دانش‌آموز، می‌توان انتظار داشت که بر میزان و سهم پس‌انداز زنان در جامعه روستایی افزوده شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که همواره روحیه و رفتار پس‌اندازی زنان به سپرده‌گذاری در نظام بانکی تبدیل نمی‌شود. گرچه ۹۲/۲ درصد از زنان در استان یزد و ۵۲ درصد در

آذربایجان غربی حداقل یک بانک را می‌شناسند ولی ۷۹/۲ درصد از زنان روستایی یزد و ۳۴/۶ درصد در آذربایجان غربی حداقل در یک بانک حساب باز کرده‌اند. در استان یزد رابطه میزان درآمد پاسخگو و رفتار سپرده‌گذاری در مجموع تمام فرضیه‌های طرح شده تنها رابطه‌ای است که با ضریب $Pearson = 0/328$ تأیید می‌شود.

دسته‌بندی دلایل آن گروه از زنان روستایی که در هیچ بانکی حساب سپرده ندارند، نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی در این زمینه به طور یقین تحول چشمگیری ایجاد خواهد کرد، زیرا برخلاف تصور رایج که دلیل عدم پس‌انداز یا سپرده‌گذاری را "نداشتن پول" می‌دانند، دلایل ارائه شده گویای این است که احساس نیاز به سپرده‌گذاری برای زن روستایی به وجود نیامده و اصولاً هیچ سازمانی در این زمینه سرمایه‌گذاری نکرده است.

جدول شماره ۶. دلایل زنان روستایی برای حساب باز نکردن در نظام بانکی (درصد)

آذربایجان غربی	یزد	شرح
۱۶/۰	۷/۰	- فکر نکرده‌ام
۴/۳	۲۷/۹	- نیازی پیش نیامده
-	۹/۳	- کسی با من صحبت نکرده
۵/۸	۴/۷	- حساب بانکی همسرم کافی است
۳/۰	۷/۰	- زنها در این کارها دخالت نمی‌کنند
۳/۰	۲/۳	- باید همسرم پول بدهد تا پس‌انداز کنم
۴/۳	-	- آشنایی چندانی با بانک ندارم
۳/۰	-	- از این موضوعات سر در نمی‌آورم
۵۲/۲	۳۹/۵	- پول نداشته‌ام
-	۲/۳	- کهولت سن

دلایل عدم سپرده‌گذاری زنان روستایی آذربایجان غربی در بانکها، نشان می‌دهد که میزان استقلال فکر و عمل آنان کمتر از زنان روستایی یزدی است که این مسأله با موضوع کسب درآمد مستقل نیز مرتبط است. به طور کلی با اطمینان زیادی می‌توان ادعا کرد که لزوماً "بی‌پولی" دلیل نبود رفتار سپرده‌گذاری زنان روستایی نیست و بقیه دلایل بیش از آنکه اقتصادی باشد، فرهنگی است. به طوری که آزمون متغیر سواد با متغیر رفتار سپرده‌گذاری، یک رابطه مثبت را نشان

می‌دهد. به عبارت دیگر زنان بی‌سواد و کم‌سواد در زمره گروهی هستند که در هیچ بانکی حساب ندارند. با افزایش میزان سواد، بر آگاهی و رفتار سپرده‌گذاری زنان روستایی افزوده شده است.

جدول شماره ۷. نحوه گشایش حساب و سپرده‌گذاری زنان روستایی در بانکها

(درصد از کل دارندگان حساب)

جمع	سایر	دیگران				خودش	نام بانک
		برادر	پسر	پدر	همسر		
۱۰۰	۳/۱	۰/۹	۱/۸	۴/۰	۱۳/۳	۷۶/۹	یزد
۱۰۰	۳/۷	۱/۸	۱/۸	۵/۵	۳/	۸۳/۳	آذربایجان غربی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت زنان روستایی دارنده حساب، خود به بانک مراجعه و نسبت به افتتاح حساب اقدام می‌کنند، بنابراین به نظر می‌رسد که برای اکثریت زنان روستایی امکان تماس با بانک بوده و از نظر فرهنگی - اجتماعی مشکلی بر سر راه جذب پس‌اندازهای زنان روستایی به سیستم اعتباری وجود نداشته است.

براساس یافته‌های تحقیق از دیدگاه اکثریت زنان روستایی (۹۰/۷۷ درصد در یزد و ۶۶ درصد در آذربایجان غربی) مردان (همسر یا پدر) با بیرون رفتن زن از منزل و حدود ۹۰ درصد از مردان با سپرده‌گذاری زنان در بانک موافق‌اند. اطلاعات به دست آمده رابطه مثبتی را میان این برداشت^۱ از نظر همسران و سپرده‌گذاری در بانکها تأیید می‌کند. به این معنی که زنان روستایی که در بانک حساب دارند فکر می‌کنند که شوهر آنها با این کار موافق است.

نتیجه

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مشکل جدی بر سر راه پس‌انداز و سپرده‌گذاری زنان روستایی وجود ندارد. زن روستایی با فرهنگ پس‌انداز آشناست، سیستم بانکی را می‌شناسد ولی هنوز فاصله چشمگیری بین این روحیه و شناخت با رفتار سپرده‌گذاری وجود دارد. متغیرهایی که در آزمونهای آماری تفاوت معنی‌داری را با رفتار سپرده‌گذاری* در کل جامعه مورد بررسی (یزد و آذربایجان غربی) نشان دادند عبارت‌اند از:

– فعالیتهای اقتصادی زنان در خانه

– سواد

– درآمد مستقل

– میزان درآمد مستقل

– شغل همسر

– اندازه واحد زراعی

– امکان تنها به شهر رفتن

– موافقت همسر با خروج زن از منزل

– موافقت همسر با سپرده‌گذاری زن در بانک

این متغیرها را می‌توان به دو دسته فرهنگی و اقتصادی تقسیم کرد. به طور یقین پوشش بیشتر نظام آموزشی و همچنین آموزشهای غیررسمی از طریق رسانه‌های گروهی به تحول در باورهای فرهنگی منجر خواهد شد و ضرورت اقدامات لازم در آغاز چنین تحولی فقط ناشی از دلایل اقتصادی و تجهیز پس‌انداز از این طریق نیست، گرچه این بعد در شرایط اجرای سیاستهای

*. این اطلاعات از طریق آزمون T (One Tail Test) و با مقایسه دو گروه از نمونه‌ها به دست آمده است :

گروه اول - دارنده یکی از انواع حساب سپرده، در بانک کشاورزی

گروه دوم - کسانی که حساب سپرده نداشتند

$$H_0 : \mu_1 = \mu_2$$

فرضیه‌های طرح شده :

$$H_1 : \mu_1 > \mu_2$$

Significance level = 0.01

تعدیل ساختاری و حذف اعتبارات ارزان قیمت برای نظام بانکی بیشترین اهمیت را دارد. ولی آنچه در بلندمدت انتظار می‌رود احساس باارزش بودن برای زنان روستایی، شانس مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده و جامعه، انگیزه بیشتر برای پس‌انداز و تجهیز منابع برای خانوار و کشور و در نهایت انتقال این فرهنگ به کودکان خانواده است.

مآخذ

- احسانی، فروغ، فریده سرحدی، زهرا صارمی، پروین معروفی، صدیقه هاشمی (۱۳۷۳)، *بررسی اجتماعی - اقتصادی نقش زنان روستایی در قالببافی*، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، نشریه شماره ۱-۷۳.
- بانک کشاورزی (۱۳۷۷)، *پروژه بازارهای مالی روستایی*.
- رفاهیت، هوشنگ (۱۳۶۵)، *نقش زنان در توسعه کشاورزی و مناطق روستایی ایران*، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی.
- سرحدی، فریده، فروغ احسانی، صدیقه عامل هاشمی، پروین، معروفی و زهرا صارمی (۱۳۷۲)، *بررسی اجتماعی - اقتصادی نقش زنان روستایی در گلیم‌بافی*، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، نشریه شماره ۵۱۶-۷۱.
- سرحدی، فریده (۱۳۷۰)، *نقش اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی در تولید*، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی یک رفتار اقتصادی: پس‌انداز روستایی*.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۵)، *نادیده انگاشتن کار زنان: یک پدیده فرهنگی*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- طائی، حسین (۱۳۶۵)، *گلیم‌بافی کردستان*، سازمان صنایع دستی ایران.
- عرب‌مازار، عباس (و) قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)، *طرح تحقیقاتی طبقه‌بندی مناطق روستایی استانهای کشور با توجه به شاخص‌های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و اجتماعی*، مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- وزارت کشاورزی (۱۳۷۴)، *زنان روستایی در ایران*، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی.
- هاشمی، مریم (۱۳۷۳-۷۴)، *بررسی نقش اقتصادی - اجتماعی زنان در تولید قالی (شرکت تعاونی فرش دستباف بادبزن)*، پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Berger, Monguerite (1989), "Giving Women Credit: The Strengths and Limitation for Credit as a Tool for Alleviating Poverty" *World*

Development. Vol. 17, No. 7, PP. 1017-1032.

- De Stephan, Henry, Paree and John Best (1990) "Credit and Saving for Development"
- Dixon - Muller (1989) "Women's Work in Third World Agriculture" *International Labor Office Report*.
- Dixon, B. Ruth (1978) "Rural Women at Work, Strategies for Development in South Asia"
- Downing Maria and Jeanne Downing (1989), "Meeting Women's Financial Needs: Lessons for Formal Financial Institutions." *World Bank Report*.
- Geertz, Clifford (1962) "The Rotating Credit Association: A Middle Range in Development" *Economic Development and Cultural Change*. Vol. 10, No. 3, PP. 241-263.
- Gold Schmidt (1989) "Unpaid Work in the Household" *International Labour Office Report*
- Holt, L. Sharon and Helana Ribe (1991) "Developing Financial Institutions for the Poor and Reducing Barriers to Access to Credit for Women" *World Bank Report*.
- Miracle, Marvin P., Oianes Miracle and Lawrie Cohen (1980) "Informal Savings Mobilization in Africa" *Economic Development and Cultural Change*. Vol. 28, No. 4, PP. 101-121.
- Piet, van den Akker (1987) "Saving Clubs: The Egyptian Experience" *Development: Seeds of Change*, PP. 145-147.
- Shams, Khaled and Noeleon Heyzar (1980-1988) "Banking on the Poor : The Lessons Learned" *Agricultural Information Development Bulletin*.
- UNESCO (1996) "Grameen Bank: From Credit to Education". EFA 2000 Bulletin, No. 23, April-June.
- United Nations (1981) "Savings for Development" *Report of the International Symposium on the Mobilization of Personal Savings in Developing Countries*

Keington, Jamaica 4-9 Feb.

- United Nations (1986) "World Survey and the Role of Women in Development" *Report of the Dept of International Economic and Social Affairs.*